

1. attend	حضور یافتن	43. primarily	اساساً - در وهله اول
2. attempt	کوشش - تلاش	44. deaf	ناشنوا
3. local	محلی	45. partially	به طور ناتمام - به طور ناقص
4. satisfied	راضی - خشنود	46. handicap	نقص عضو - معلولیت
5. rescue	نجات دادن	47. election	انتخابات
6. rest	بقیه - استراحت	48. prison	زندان
7. participate	شرکت کردن	49. withdraw	خارج کردن - بیرون کشیدن
8. citizen	شهروند	50. crash	تصادف - برخورد شدید
9. represent	نشان دادن - نماینده بودن	51. extremist	تندرو - افراطی
10. professional	حرفه ای	52. pleasure	لذت - تفریح
11. patient	بیمار - صبور	53. express	بیان کردن
12. supply	موجودی - ذخیره	54. tropical	استوایی
13. supplies	لوازم ضروری	55. leather	چرم
14. slang	زبان عامیانه	56. Middle Ages	قرون وسطی
15. furniture	مبلمان - اثاثیه	57. significant	مهم
16. directory	کتاب راهنما - دفتر راهنما	58. significance	اهمیت
17. revolution	انقلاب	59. awful	بسیار بد - وحشتناک
18. advance	پیشرفت	60. accent	لهجه
19. witness	شاهد - شاهد عینی	61. advantage	مزیت - سود
20. contribution	مشارکت - نقش	62. application form	درخواست نامه
21. explicit	صریح - رک	63. assistance	کمک - یاری
22. implicit	اشاره غیر مستقیم	64. apologize	معذرت خواهی کردن
23. partly	تا حدودی - نسبتاً	65. effort	تلاش - کوشش
24. notice	اعلامیه - اطلاعیه	66. equip	تجهیز کردن
25. melt	ذوب شدن	67. conduct	اجرا کردن - هدایت کردن
26. consider	در نظر گرفتن	68. maintain	نگه داشتن - حفظ کردن
27. considerable	قابل ملاحظه	69. brilliant	درخشان - عالی - با استعداد
28. in touch with	در ارتباط بودن با	70. profit	سود - منفعت
29. convey	حمل کردن - انتقال دادن	71. gain	به دست آوردن
30. load	بار - بارگیری	72. attack	حمله کردن
31. rough	خشن - زبر	73. cancer	سرطان
32. owner	مالک - صاحب	74. reach	رسیدن
33. deal with	پرداختن به	75. major	عمده - اصلی
34. flow	در جریان بودن	76. creature	مخلوق - موجود
35. contain	حاوی بودن	77. secretary	منشی
36. gather	جمع اوری کردن	78. state	حالت - بیان کردن
37. slip	سر خوردن - لغزیدن	79. instance	مثال - مورد
38. by the way	راستی - تا یادم نرفته	80. substance	ماده
39. keep in mind	در ذهن داشتن	81. outline	خلاصه - نکات عمده
40. Bible	کتاب مقدس	82. omit	حذف کردن
41. suppose	فرض کردن	83. advisability	مصلحت - توصیه پذیری
42. print	چاپ کردن	84. dependence	وابستگی

1. afford	تامین کردن - استطاعت مالی داشتن	33. shade	سایه
2. awfully	به طور بد - به طور افتضاح	34. shortage	کمبود
3. calculation	محاسبه	35. supervise	سرپرستی کردن - نظارت کردن
4. character	منش - شخصیت	36. supervisor	ناظر - سرپرست
5. conductor	سرپرست خط اتوبوس	37. surgery	جراحی
6. contract	قرارداد	38. translation	ترجمه
7. costly	پر هزینه - گران	39. ultimately	سرانجام - نهایتا
8. culture	فرهنگ	40. unpleasant	نامطلوب - ناخوشایند
9. definitely	مطمئنا - قطعا	41. course	دوره تحصیلی
10. diplomacy	سیاست - دیپلماسی	42. freedom	آزادی
11. displeasure	ناراحت کردن	43. diet	رژیم غذایی
12. dissolve	حل کردن	44. conduct	هدایت کردن
13. eagerly	با اشتیاق - مشتاقانه	45. ceremony	جشن - مراسم
14. elementary	اولیه - ابتدایی	46. exemplify	مثال زدن
15. fine	جریمه کردن - جریمه	47. Generalize	تعمیم دادن
16. hunt	صید کردن - شکار کردن	48. maintain	حفظ کردن
17. ignorance	جهل - نا آگاهی	49. master	تسلط پیدا کردن
18. import	(به کشور) وارد کردن - واردات	50. participate	شرکت کردن
19. improbable	غیر محتمل - بعید	51. patient	صبور - بیمار
20. independent	مستقل	52. primarily	اساسا - عمدتا
21. instruct	آموزش دادن	53. respond	پاسخ دادن
22. inventive	ابداعی - خلاق	54. remind	یادآوری کردن
23. limit	محدود کردن - حد	55. speculate	حدس زدن
24. membership	عضویت	56. supervisor	ناظر
25. nature	طبیعت	57. solid	جامد
26. opportunity	فرصت	58. strength	قدرت
27. ordinary	معمولی	59. transport	حمل و نقل
28. personality	شخصیت	60. expedition	سفر
29. primitive	اولیه - ابتدایی	61. journey	مسافرت کردن - سفر
30. recognize	تشخیص دادن - شناختن		
31. resource	منبع		
32. session	جلسه		